

مهریاری

بر اساس خاطرات برادر حاج محمد بن العابدین بهیار
از فرماندهان سپاه در منطقه شمال غرب

مرکز مطالعات ملی امنیت پایدار
(شهید بروجردی)



== نشر ستارگان درخشان ==

سرشناسه: بهیار، محمدرزین‌المابدین، ۱۳۳۱ -
 عنوان و نام پدیدآور: مردم یار؛ براساس خاطرات برادر حاج محمد زین‌المابدین بهیار / به کوشش مرکز مطالعات
 ملی امنیت پایدار (شهید بروجردی) سیاه، طرح و نظارت: دکتر مصطفی ایزدی، جواد استکی.
 مشخصات نشر: اصفهان: ستارگان درخشان، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۹۸-۷۸-۴
 موضوع: بهیار، محمدرزین‌المابدین، ۱۳۳۱ - - خاطرات
 موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - - خاطرات
 موضوع: ضد انقلاب و ضد انقلابیین - ایران - کردستان - خاطرات
 شناسه افزوده: ایزدی، مصطفی، ۱۳۲۵ - ناظر
 شناسه افزوده: استکی، جواد، ۱۳۳۱ - ناظر
 شناسه افزوده: دانشگاه جامع امام حسین(ع)، مرکز مطالعات ملی امنیت پایدار
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۱۹۷۳ / DSR۱۶۳۹
 رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۳۳۰۹۲
 شماره کتبشناسی ملی: ۳۶۶۵۳۷



مرکز مطالعات ملی امنیت پایدار (شهید بروجردی)

ناشر: ستارگان درخشان

وابسته به مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

سیاه صاحب الزمان(عج) استان اصفهان

طرح و نظارت: دکتر مصطفی ایزدی - جواد استکی

صفحه‌آرایی: رسول خوانساری

حروفچینی: فاطمه امینی

ویراستار فنی و محتوی: مهدی داوری

ویراستار: بتول احمدی

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰

چاپ: شهریار

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۹۸-۷۸-۴

مرکز پخش: (مرکزی اصفهان)

نشر ستارگان درخشان: ۰۳۱۱-۳۲۰۱۷۷۰ و ۰۹۱۳۷۸۳۵۱۷

فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه
۱۵	 معرفی راوی
۱۹	 دفتر ارتباط با روستاها
۲۳	 اسلحه‌ی چوبی
۲۷	 زهرمار، شهد شیرین هدایت
۳۱	 اعتراف دشمن به پایگاه مردمی سپاه
۳۵	 انتقام تلخ
۳۹	 سپاهی از ملائکه‌ی آسمانی
۴۳	 شهیدی که لحظه‌ی شهادتش را می‌دانست
۴۵	 مقاومت کم‌نظیر حق علی محمدی
۴۷	 ما کجا و نماینده‌ی مجلس شدن کجا؟!
۵۱	 خون‌بها
۵۵	 جرأت و جسارت بسیجیان
۵۷	 مکر کومله در سقوط پایگاه خوشمقام

- ۶۱ رقص عشق
- ۶۵ نجات معجزه‌آسای دو سرباز
- ۶۷ به عمل کار برآید به سخن رانی نیست
- ۶۹ سرسپردگی خان پنجه
- ۷۳ مقاومت رمز رستگاری
- ۷۷ حال مردم کردستان چه طور است؟!
- ۸۱ نجات از مرگ حتمی بر اثر دعا و صدقه
- ۸۵ معجزه صدقه
- ۸۷ هرانجام پادشاهی
- ۹۳ تربیت همنوع خوار
- ۹۵ تنوع در عین فاطمیت
- ۹۹ خاطره‌ای که عرش را تکان داد!
- ۱۰۱ نتیجه هوشیاری
- ۱۰۳ فریب ضدانقلاب
- ۱۰۷ پرنده‌ای در قفس
- ۱۱۷ راز اسکناس!
- ۱۱۹ امنیت بومی
- ۱۲۱ مرگ با عزت
- ۱۲۳ معجزه
- ۱۲۵ ابتکار عمل
- ۱۲۷ همیشه، شهادت قسمت نیست
- ۱۳۱ عملیات پوششی و نصرت حق
- ۱۳۵ تأثیر فریاد حقیقت جوی ناصر
- ۱۳۹ از آنها خوب پذیرایی کن!
- ۱۴۳ حُب و بغض

۱۴۵	گل کاری در زمستان!
۱۴۷	نفوذی
۱۵۱	طعمه
۱۵۳	اسلام واقعی
۱۵۵	حماسه‌ی گلاهِ
۱۶۵	پدری که محل شهادت فرزندش را می‌دانست!
۱۶۹	وفای به عهد در سخت‌ترین شرایط
۱۷۳	تجلیل از شهدا
۱۷۵	قطع شریان حیاتی ضدانقلاب
۱۷۹	بسیجیان ما فرشته هستند!
۱۸۱	یاد باد آن روزگاران یاد باد
۱۸۳	صیاد عشق
۱۸۵	دفتر امام خمینی (ره)
۱۸۷	اشک یتیم
۱۹۱	حلبچه و غم‌دیده‌های آن
۱۹۳	سرود عشق
۱۹۵	عمه‌ی کاک عمر
۱۹۹	وفای به عهد
۲۰۳	کارت شناسایی دمکرات
۲۰۵	راز گلوله‌ی یک پره

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی، ملت ایران آن چه که تصورش را نیز ناممکن می‌پنداشت، به چشم خود دید؛ انقلابی که نه تنها ملت ایران، بلکه ملت‌های مسلمان و تمامی عالمیان را غرق بهت و حیرت و اعجاب نمود. قدرت‌های داخلی و ابرقدرت‌های بین‌المللی را با همه‌ی هوشیاری غافلگیر کرد و حساب‌ها و نقشه‌های سیاسی و طرح‌های دراز مدت و تصمیم‌گیری‌های مطالعه شده‌ی آنان را نقش بر آب کرد. انقلابی که دگرگونی و تحوّل‌ی راستین در قلب و قالب اجتماع و نظام اجتماعی و سیاسی، براساس معیارهای توحیدی را به همراه داشت و با هیچکدام از مفاهیم و آموزه‌های انقلابی شناخته شده‌ی غربی و شرقی شباهت نداشت؛ بلکه بازگشتی بود به صدر اسلام با همه‌ی ابعاد و ویژگی‌هایش.

در این خیزش عظیم، مردم ایران بیش از هر چیز استعمار و استکبار جهانی را خوار و ذلیل نمود و آنها به تلافی این شکست برآن شدند تا با ایجاد بحران داخلی در کشور، از طرفی ایران را به خود مشغول نموده تا انقلاب اسلامی در کشور محصور شده و مردم دنیا نتوانند، زیبایی‌های یک نهضت مردمی اسلامی را ببینند و از سوی دیگر امکان بازگشت خود به ایران را فراهم آورند.

به این ترتیب، دست‌های پلید فتنه از آستین مهره‌های داخلی بیرون آمد و مناطقی از ایران اسلامی را به آشوب کشید؛ آمل، گنبد، سیستان و بلوچستان، خوزستان، ترکمن صحرا و بالاخره، کردستان به عنوان حلقه‌ی مکمل زنجیره‌ی همه‌ی توطئه‌ها.

در کردستان، استکبار توانست به مدد زمینه‌های موجود ناشی از سیاست گذاری با یک نقشه‌ی حساب‌شده، قدم به قدم با استفاده از همه‌ی ابزارها و امکانات قدرت، بحرانی منطقه‌ای ایجاد کند؛ جنگی مسلحانه در ظاهر برای رفع ستم ملی از مردم کرد و به واقع برای تضعیف و از میان بردن نظام نوپای جمهوری اسلامی.

آری! دشمنان با سوء استفاده از احساسات قومی مردمان کرد و کمبودهای ناشی از حکومت‌های خودکامه‌ی گذشته، این بخش از ایران اسلامی را به آشوب کشیدند، اما در این میان رهبری پیامبرگونه‌ی خمینی کبیر(ره) و خط‌مشی‌های سازنده و اصولی ایشان برای مقابله با این بحران آن چنان کارساز و موثر واقع شد که خیلی زود دشمن را از صحنه بیرون ساخت.

این گونه بود که پس از غائله‌ی مردادماه ۱۳۵۸ در پاوه، حضرت امام(ره) با دخالت مستقیم در این امر به وضوح استراتژی نیروهای نظامی را در برخورد با مسأله‌ی کردستان مشخص ساختند و فرمان پاکسازی تمام مناطق کردستان را، با تأکید بر این مطلب که «حساب مردم کرد از توطئه‌گران جدا است»، از لو ت وجود اشراق و ضدانقلاب را صادر کردند..

رزمندگان اسلام نیز با سرلوحه قرار دادن رهنمودهای حضرت امام(ره) و تعالیم عالیه‌ی اسلامی به مقابله با عوامل ایجاد بحران در منطقه پرداختند، آن چنان که همگام و در اکثر مواقع حتی گسترده‌تر از عملیات‌های نظامی به عملیات‌های مردم‌یاری^(۱) پرداختند و اطمینان داشتند، با حضور و مشارکت گسترده‌ی مردم و تلاش بی‌وقفه‌ی آنها، این امر موفقیت‌آمیز

(۱) مردم‌یاری به فعالیت‌های نظامیان در پشتیبانی از عملیات نظامی و افراد غیرنظامی با استفاده از منابع دولتی و مردم خارج از منطقه‌ی بحرانی به منظور حفظ و توسعه‌ی امنیت، رفع محرومیت با افزایش عزت نفس، کاهش احساس نابرابری و نارضایتی ترمیم و کاهش آثار جنگ، درگیری و سوانح طبیعی، بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی مردم ساکن در منطقه‌ی بحرانی گفته می‌شود. به عبارت دیگر به مجموعه فعالیت‌های نظامیان در پشتیبانی یا کمک غیرنظامیان با اهداف مشخص شده در منطقه‌ی عملیاتی، مردم‌یاری می‌گویند.

خواهد بود.

از این رو، عملیات مردم‌یاری با هدف زدودن آثار فقر و محرومیت از منطقه، بازسازی و جبران خسارات ناشی از عملیات‌های نظامی، بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم، رشد و تعالی فرهنگی مردم و از همه مهم‌تر نشر و تبلیغ فرهنگ اسلامی انجام گرفت که با یاری خدا و تلاش و همت نیروهای خدوم جمهوری اسلامی، به قدری فراگیر و زیاد بود که هر صاحب نظر و کارشناس اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... به ماندگاری فداکاری‌ها و ایثارگری‌های این فرزندان برومند انقلاب اذعان خواهد داشت.

مطالبی که در این کتاب در قالب خاطره آورده شده است، مصادیقی بارز از این گونه اقدامات غیرنظامی نیروهای جمهوری اسلامی در مناطق کردنشین غرب و شمال غرب است که در راستای جلب اعتماد مردم و ارتقاء سطح معیشتی و فرهنگی آنان صورت گرفته است. امید است این مطالب خوانندگان عزیز را هر چه بیشتر با این بعد از فعالیت‌های رزمندگان اسلام آشنا سازد.

مرکز مطالعات ملی امنیت پایدار

«پروژه شهید بروجردی اصفهان»

معرفی راوی

محمدزین العابدین بهیار به سال ۱۳۳۴ در خانواده‌ای مذهبی در اصفهان به دنیا آمد. دوران کودکی‌اش را در شهر اصفهان پشت سر گذاشت. سال دوم دبستان بود که به دلیل بیماری ناشناخته‌ای از هر دو پا فلج شد و پزشکان از مداوایش ناامید شدند، اما مادرش که زن با ایمان و معتقدی بود با توسل به حضرت زین العابدین (ع) شفای پسرش را از او طلب کرد و یک روز صبح، وقتی محمد در بیمارستان از خواب برخاست ناخودآگاه بر روی پاهایش ایستاد. آری! معجزه شده بود، معجزه‌ای که پزشکان معالج محمد را در بهت و حیرت فرو برد. پدر محمد، حاج محسن دام‌پزشک و کارمند دولت بود، به همین خاطر از اصفهان به زادگاهش یعنی شهر نجف‌آباد منتقل شد. اما محمد در اصفهان و منزل خواهرش ماند و تحصیلاتش را در مدرسه‌ی اتحاد که متعلق به یهودیان اصفهان بود ادامه داد. او یک سال تحصیلی در این مدرسه درس خواند، اما بنا به دلایلی تصمیم گرفت نزد خانواده‌اش در نجف‌آباد بازگردد.

محمد که با مسائل دینی و سیاسی به لحاظ موقعیت پدرش و ارتباط ایشان با علمای آگاه و انقلابی آن زمان تا حدودی آشنایی داشت، همواره در محیط مدرسه و محل زندگی خود با افرادی که گرایشات کمونیستی و غیر مذهبی داشتند به مباحثه می‌پرداخت و در واقع آن را

مبارزه‌ای بین حق و باطل می‌دانست. از جمله فعالیت‌های محمد در این زمان پرورش هم‌سن و سال‌های خود از نظر فرهنگی و مذهبی در قالب یک تیم فوتبال بود. که در این زمینه بسیار موفق عمل کرد، به طوری که اکثر آنها با پیروزی انقلاب اسلامی، جذب نهادهای انقلابی همچون جهاد سازندگی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شدند.

با فرا رسیدن زمان اعزام محمد به خدمت سربازی، او با اعتقاد بر این که اگر انقلابی در کشور به وقوع بپیوندد، نیروهای انقلابی نیازمند مقابله‌ی نظامی با سربازان ارتش می‌باشند و لازمه‌ی آن فراگیری آموزش‌های نظامی است، خود را به ژاندارمری معرفی کرد و متعاقب آن به پادگان نوده اعزام شد. در پادگان با فردی به نام علی نکونام آشنا شد که پدرش یکی از روحانیون مبارز در تهران بود و محمد از طریق ایشان با حاج‌آقا موحدی کرمانی ارتباط پیدا کرد.

محمد در طول دوره‌ی سربازی توانست با توجه به رشته‌ی تحصیلی‌اش، در پادگان ونک تهران و در بالاترین سطوح فرماندهی مخابرات و الکترونیک ژاندارمری نفوذ کرده و به عنوان منشی تلفن سرلشکر رضا نظامی به بسیاری از اسناد محرمانه و سری ژاندارمری دست یابد. یکی از این موارد نامه‌ی سری تیمسار قریباغی به فرماندهان ژاندارمری بود که در آن دستور داده شده بود، نیروهای ژاندارمری ملبس به لباس شخصی و چماق به دست در تظاهرات‌های مردمی شرکت کرده و به عنوان مردم طرفدار شاه، انقلابیون را قلع و قمع نمایند. محمد که این نامه را در اختیار حاج‌آقا کرمانی قرار داد و ایشان هم با نفوذ و ارتباطی که داشت، آن را در روزنامه‌ی اطلاعات (سال ۱۳۵۷) منتشر ساخت که مثل بمب صدا کرد.

فعالیت محمد در ژاندارمری آن قدر مؤثر بود که حتی با فرمان تاریخی حضرت امام (ره) مبنی بر فرار سربازان از خدمت، او پس از مشورت با آیت‌الله ایزدی در محل خدمت خود باقی‌ماند و خبرهای پادگان را در اختیار انقلابیون گذاشت. پس از پیروزی انقلاب هم با آویختن پرچم‌های سفید به علامت تسلیم دورتادور پادگان، از غارت شدن آن جلوگیری کرد. در سال ۱۳۵۸ پس از گذراندن دوره‌های آموزشی در تهران با اولین گروه اعزامی به سوریه رفته و در پادگان حموریه به فراگیری آموزش‌های چریکی مشغول شد. پس از مدتی به ایران بازگشت و با آغاز بحران در سیستان و بلوچستان به این منطقه عزیمت کرد و از آنجا

هم به کردستان رفت، چند ماهی در سندج خدمت کرد.

با آغاز جنگ تحمیلی در شهریورماه ۱۳۵۹، برای اعزام به جبهه آماده شد و از اصفهان عازم مناطق تفتیده‌ی جنوب گردید که در میانه‌ی راه، پس از مطلع شدن از این موضوع که کردستان به شدت به نیرو احتیاج دارد، به این منطقه رفت و هجده سال در این سرزمین خدمت کرد. سال‌هایی که برای محمد، لحظه به لحظه و ثانیه به ثانیه‌اش خاطره شد.

زین‌العابدین بهیار در طول خدمتش در کردستان مسئولیت‌های مختلفی را به عهده داشته است که در ادامه به صورت فهرست‌وار به آنها اشاره می‌شود:

- از مهرماه ۱۳۵۹ تا بهمن‌ماه ۱۳۶۰، مسئول دفتر ارتباط با روستاهای استان کردستان؛

- از بهمن‌ماه ۱۳۶۰ تا اسفندماه ۱۳۶۲، فرماندهی سپاه پاسداران شهرستان بیجار؛

- از فروردین‌ماه ۱۳۶۳ تا دی‌ماه ۱۳۶۵، با حفظ سمت فرماندهی سپاه بیجار، فرماندهی

سپاه دیواندره؛

- از دی‌ماه ۱۳۶۵ تا بهمن‌ماه ۱۳۶۶، مسئول بسیج سپاه ناحیه‌ی استان کردستان؛

- از بهمن‌ماه ۱۳۶۶ تا دی‌ماه ۱۳۷۱، قائم مقام سپاه پاسداران شهرستان مریوان؛

- از دی‌ماه ۱۳۷۱ تا آذرماه ۱۳۷۲، فرماندهی قرارگاه امداد کربلا؛

- از دی‌ماه ۱۳۷۲ تا بهمن‌ماه ۱۳۷۳، رئیس ستاد قرارگاه شهید شهرام‌فر؛

- از بهمن‌ماه ۱۳۷۳ تا خردادماه ۱۳۷۴، مسئول عملیات بیرون‌مرزی قرارگاه حمزه

سیدالشهداء (ع)؛

- از خردادماه ۱۳۷۴ تا مردادماه ۱۳۷۵، مشاور فرماندهی؛

پس از آن ایشان تا سال ۱۳۸۵ که به افتخار بازنشستگی نائل شدند، در رده‌های مختلف

سپاه مشغول به خدمت بوده‌اند.